

داستان یک آیه

شکست رومیان

سید مالک موسوی

ترجمه و نگارش: علی رضا کرمی

جزء قلمرو رومیان بود با تهور و جسارت بسیاری اردو زد و خود را برای یورش بی امان و کوبنده به مراکز مهم امپراطوری روم آماده ساخت.

مستی قدرت و پیروزی

این پیروزیهای پیاپی ارتش ایران و عقب نشینی های سپاه روم از برابر ابر قدرت پیروز، باعث شد تا شعله ها و شراره های آتش افروزی و جنگ طلبی زمامدار خودکامه ایران، که سخت مست پیروزی شده بود و احساس قدرت می کرد، زیانه کشد و چیزی از رجزخوانی و گزافه گویی فرو نگذارد. از این رو به پیکار سهمگین و خونبار خویش رنگ مذهبی نیز بخشید و بر ضد رومیان مسیحی مذهب، جنگ عقیدتی و مسلکی اعلان کرد و با این شگرد توانست بیش از ۲۵ هزار یهودی را نیز دستخوش کینه توزی و تعصب ساخته و آنها را نیز به سپاه خویش ملحق نموده وزیر پرچم

و هر چندگاه بصورت پیکارهای ویرانگر و خونبار و پرتلفات خود را نشان می داد.

این زورآزمایی جنون آمیز میان دو قطب و دو قدرت جهانی، در میدانهای گوناگون ادامه یافت و قربانیان بسیاری از هر دو کشور گرفت و فجایع بی شمار و خسارتهای جبران ناپذیری به بار آورد تا سرانجام کفه قدرت و وصولت به سود ایران باستان، سنگینی کرد و چرخهای اربابه جنگ به سود آن و به ریل دلخواه شاهان ایران به حرکت افتاد.

ارتش کارآزموده و خونخوار «کسری» خاکریزهای دشمن قوی پنجه را یکی پس از دیگری درهم کسبید؛ موانع را از سر راه خود برداشت و سلطه و سیطره خویش را بر بسیاری از شهرها، روستاها و سرزمین های زیر سلطه امپراطوری کهن «روم»، گسترش بخشید و کار به جایی رسید که سپاهیان ایران در سال ۶۰۵ میلادی در «حلب» و در چند قدمی دروازه های دمشق کنونی که آن روز

الم غلبت الروم فی ادنی الارض وهم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء وهو العزیز الرحیم^۱.

رومیان - در نزدیکترین نقطه به این سرزمین - شکست خوردند.

[واز برابر نیروی ایران، عقب نشینی کردند] اما آنان پس از شکستشان بزودی در [همین] چند سال [آینده] پیروز خواهند شد.

فرمان [تنها] از آن خداست چه پیش از پیروزی و چه پس از آن، و در آن روز [است که] مؤمنان - به یاری خدا - شادمان خواهند شد. [خدا] هر کس را [شایسته ببیند و] بخواهد یاری می کند او را توانمند و مهربان است.

زور آزمایی «و قطب قدرت

درگیری طولانی و کشمکش فاجعه بار و پر خسارت، میان دو ابر قدرت آن روزگاران یعنی «ایران» و «روم» ادامه داشت

خویش درآورد و با این نیروی متحد و متشکل در سال ۶۱۴ میلادی به بیت المقدس که پایگاه مسیحیان و در کنترل امپراطوری روم بود یورش برد و آنجا را به اشغال خویش درآورد.

تاریخ نشانگر این واقعیت دردناک است که سپاهیان «کسری» پس از اشغال «بیت المقدس» شهر را بکلی غارت کردند؛ به کشتارهای گسترده و بیرحمانه ای دست یازیدند؛ سیل خون در کوچه ها و خیابانها روان ساختند؛ به کوچک و بزرگ و جنگجو و ناتوان رحم نکردند؛ معبدها و کنیسه ها و از آن میان ضریح مقدس را در قدس، طعمه شعله های سرکش آتش درنده خوئی و تجاوزگری خود ساختند و آمار قربانیان مسیحی به ۹۰۰۰۰ نفر رسید.

در اوج این بیرحمی ها و کشورگشایی ها و پیشروی نیروهای ایران در قلمرو امپراطوری روم، شاه ایران نامه اهانت بار و مسخره آمیزی به «هرقل» امپراطور روم فرستاد که متن نامه این گونه بود:

«من کسری اعظم الالهة و سید الارض
كلها الي هرقل
عبدہ البغی الذکيل:

انک تقول انک تعتمد علی إلهک فلم
إذن لم ینقذ اورشليم من یدی.

از کسری شاه شاهان و بزرگترین خدایان
و ابر قدرت کران تا کران گیتی به امپراطور
کودن و ذلیلش:

عالیجناب! تو که بر این پنداری که بر
خدای توانای خویش توکل و اعتماد داری
و او یار و پشتیبان تو است پس چرا خدایت
شهر «اورشليم» را از چنگ سپاه فاتح من

نجات نداد وکشورتان را از یورش و اشغال
من رهایی نبخشید؟

و این گونه سپاه ایران شهرها، روستاها
و سرزمینهای مختلف در قلمرو دولت روم
را به اشغال خود درآورد به گونه ای که اگر
«تنگه بسفر»^۲ مانع طبیعی پیشروی آنان
نبود، آنها تا اشغال «قسططنیه»، پایتخت
امپراطوری روم، فاصله ای نداشتند.

فردام سپاه غرور و غفله

پس از این پیروزیهای سخت و برق آسا
و پیاپی بود که پادشاه ایران مست قدرت
و سیطره خویش گشت و اطمینان یافت که
رقیب شکست خورده اش دیگر توان کمر
راست کردن و برافراشته ساختن قامت درهم
شکسته خویش را ندارد و اینک تنها ابر قدرت
روزگار ایران باستان است و بس.

به همین جهت با آسودگی خاطر و خیال
راحت، اداره کشور و کنترل مرزها و زیر نظر
داشتن شرایط جهانی را به فرماندهان پیروز
و مغرور سپاه خویش و انهاد و خود از میدان
رزم و پیکار و مقر فرماندهی و اداره جنگ، به
محفل بزم و عیاشی و خوشگذرانیهای بی حد
و حساب خزید. رفت تا در کاخ پرطمطراق
و پرزرق و برق و پرآوازه خویش در
«دستجرد» به عیاشی و شکمبارگی و فساد
و تباهی در غلطلد و رنج و مشکلات مردم را به
بوته فراموشی سپارد.

او که «دستجرد» را تازه به عنوان
پایتخت برگزیده بود تصمیم گرفت پایتخت
جدید را از پایتخت قدیم خویش زیباتر
و آراسته تر و باصفا تر و پرزرق و برق تر سازد
و عکسهای گوناگون و متعددی نظیر «ملکه

شیرین» که در میان حرمسرای سه هزار
نفری او زیباترین و دلرباترین و محبوب ترین
معشوقه اش بود بر در و دیوار کاخ نقاشی
و پیکرتراشی کند، چرا که این زن با نفوذ
و بر اقتدار به عنوان بانوی اول نظام کسری،
به گونه ای او را فریفته و در دل و روح وی
نفوذ کرده بود که شاه را هر آنجایی که خاطر
خواهش بود می کشاند؛ به همین جهت
ایرانیان از او اظهار ناخشنودی نموده او را
که خود مسیحی مذهب بود متهم
می ساختند که شاه را نیز از آیین زرتشت
خارج و به مسیحیت وارد ساخته است.

اما با همه این عیاشیها و ریخت و پاش ها
و گلایه ها و ناراضیهای های مردم، کشور
پهناوری چون ایران که ابر قدرت روزگار
و غرق در نعمت و امکانات بود و در حال
وهوا و فضای پیروزی های بزرگ تنفس
می کرد و سیل غنایم و بردگان از هر سو به
درون مرزهایش سرازیر بود، چنین کشوری
این کشش را داشت که هر گونه عیاشی
و خوشگذرانی و اسرافکاری را برای دولت
و دستگاه «کسری» نادیده بگیرد و به پیروزی
بر «روم» دلخوش دارد و در برابر قدرتهای
بزرگ آن روزگار یعنی «یونان» و «روم»
پیروزی نهایی را از آن ایران بنگرد
و «اهورمزدا» را بر مسیح علیه السلام^۳ پیروز
بداند.

طنین پیروزی ایران در جزیره العرب
درگیرها و کشمکش های خونبار و پایان
ناپذیر میان دو ابر قدرت، اثرات خود را در
مناطق مختلف جهان بر جای می نهاد؛ و از
آن میان «جزیره العرب» نیز با اینکه از آتش



مشرکین فضای جامعه را تیره و تار ساخته بود آیاتی از قرآن کریم بر قلب مصفاً پیامبر فرود آمد:

الم غلبت الروم في ادنى الارض وهم من بعد غلبهم سيفلون . . . ۷

آری این آیات نوید بخش و امید آفرین فرود آمد تا بر پیشوای بزرگ توحید و پیروان او که سخت زیر فشار بودند از آینده خبر دهد؛ از پیروزی نزدیک «روم» بر ایران، و نیز از پیروزی توحید گرایان جزیره العرب بر شرك گرایان.

با اینکه در آن روزها همه رخدادهای از شکست سهمگین «روم» حکایت می کرد و ناظران اوضاع بر این باور بودند که نه دیگر دولت و دستگاه شکست خورده و از هم گسیخته «روم» می تواند کمر راست کند و نه ارتش متلاشی شده و روحیه باخته امپراطور و نه مردم صدمه دیده و ورشکسته آن کشور؛ اما پیامبر در پرتو وحی و رسالت آینده را نگریست و از حقایقی که در پیش بود با اطمینان و قاطعیت پرده برداشت و با صراحت و صف ناپذیری خاطر نشان ساخت که نه تنها ابرقدرت «روم» با وجود تحمل شکست سخت از ایران نابود نخواهد شد، بلکه بزودی قامت خود را برافراشته و از شکست خفت بار، سگوی پیروزی خواهد ساخت و در چند سال آینده، آری چند سال آینده بر دشمن مست و مغرور پیروز خواهد شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الم غلبت الروم في ادنى الارض وهم من بعد غلبهم سيفلون في بضع

ادیان و کتابهای آسمانی نبود از خود می دانستند و «روم» را که مسیحی مذهب بود دشمن خویش ارزیابی می کردند؛ اما این رخداد سهمگین جهانی بر مسلمانان گران آمد، چرا که آنان مسیحیان را به هر حال پیرو ادیان آسمانی می نگریستند و می دانستند که بیت المقدس، برای آنها همچون «کعبه» برای پیروان قرآن است^۴. که در جنگ اشغال شده است و نیز مفسر دیگری در این مورد از «ابن عباس» آورده است که:

در جنگ سرنوشت ساز و طولانی دو ابرقدرت آن روزگار، مشرکان پیروزی ایران را آرزو می کردند و مسلمانان پیروزی «روم» را. چرا که «روم» پیرو کتابهای آسمانی بود و ایران بیگانه از آنها^۵.

و نیز یکی از تفاسیر آورده است که: در آن شرایط، مشرکان با مسلمانان بحث وجدل می کردند و می گفتند:

«شما مسلمانان می پندارید با کتاب آسمانی و پیامبرتان بر شرك و شرك گرایان پیروز خواهید شد؟ زهی خوش خیالی! رومیان نیز پیرو کتاب آسمانی بودند که از ایران هم مسلک و هم مرام ما شکست خوردند؛ بدانید همان گونه که ابرقدرت بت پرست بر ابرقدرت مسیحی مذهب پیروز شد، ما مشرکان مکه نیز سرانجام بر شما مسلمانان پیروز خواهیم شد و همه شما را نابود خواهیم ساخت^۶.



درست در این جو طوفانی و پرگرد و غبار که امواج تعصبات کور و تبلیغات شدید

جنگ بدور بود اما همواره روند امور و تحولات مربوط به درگیری دو ابرقدرت ایران و روم را با نگرانی پی می گرفت چرا که پیروزی یا شکست هر طرف نمی توانست در سرنوشت آن منطقه حساس از جهان، بی تأثیر باشد.

درست از این زاویه بود که شرك گرایان و در رأس آنان «قریش» از شکست ابرقدرت مسیحی مذهب «روم» و پیروزی ایران که از ادیان آسمانی بیگانه بود، به گرمی استقبال کردند و فریاد شادمانی سردادند، چرا که ابرقدرت روم را به هر حال یک قدرت مذهبی می نگریستند و ایران را یک کشور شرك گرا و بیگانه با کتابهای آسمانی و همراه هم خط و همسنگر خود. و می پنداشتند که پیروزی ایران، به شرك گرایان «مکه» نیز فرصت و امکان خواهد داد تا بر توحید گرایان «مکه» پیروز گردند و اسلام نوپا و گروندگان به آن را پیش از تأسیس دولت و نظام، و تنومند شدن این شجره مقدس، از بیخ وین برکنند.

در برابر خط شرك، مسلمانان بودند که از شکست «روم» مسیحی مذهب، و اشغال بیت المقدس بوسیله ایران، و تخریب و کشتاری که به دست بت پرستان و دشمنان ادیان آسمانی رخ داد، سخت احساس ناراحتی و رنج نموده و سینه هایشان مالا مال از غم و اندوه شد.

یکی از مفسران در این مورد می نویسد: با پیروزی ایران بر «روم» در عصر پیامبر، کافران و مشرکان قریش سخت شادمان شدند و فریاد شادی و هلله سردادند، چرا که آنان «ایران» را که پیرو

سنین . . . ۸

رومیان - در نزدیکترین نقطه به این سرزمین شکست خوردند اما آنان پس از شکستشان بزودی در همین چند سال آینده پیروز خواهند شد.

نویسه از آینده

با فرود آمدن این آیات امید بخش و انتشار خبر نوید از آینده نزدیک که نشانگر پیروزی قریب الوقوع «روم» بر «ایران» بود، کفار قریش به استهزاء و تمسخر وحی و رسالت و آینده نگری و پیشگویی آن برخاستند و جنگ روانی سهمگین و آزار دهنده ای را بر ضد مسلمانان که به این آیات ایمان داشتند، به راه انداختند. کمترین سخن آنان این بود که آیات خدا را بی اساس اعلان می کردند، یکی دو سال از این آینده نگری و پیشگویی گذشت؛ سال سوم و چهارم فرا رسید؛ اما هیچ اثری از تحقق نوید پیروزی «روم» بر «ایران» در صحنه بین المللی پدیدار نشد و همین موضوع عامل دیگری بود که قریش را در شدت بخشیدن به حملات تبلیغاتی و تمسخر و ستمپاشی نسبت به قرآن و پیامبر و توحیدگرایان، جرأت و جسارت بیشتری بخشید. کار به جایی رسید که سینه برخی از یاران پیامبر که در انتظار تحقق وعده خدا بودند، آکنده از غم و اندوه، و مالا مال از درد و رنج گردید. دیگر عنان شکیبایی و پایداری از کف رفت و برخی به محضر پیامبر شرفیاب شدند تا از راز آیات پرسند که پیامبر در پاسخ آنان فرمود: «ایران من! دیر نشده است؛ چنین خواهد شد و وعده خدا تخلف ناپذیر

است.

پرسیدند: کی وجه زمانی؟

فرمود: «فی بضع سنین» در همین چند سال آینده! و روشنگری فرمود که: هر چیز کمتر از ده عدد را «بضع» می گویند: «کلّ مادون العشرة بضع».

واژه «بضع» زیر ده سال را شامل می شود. از این رو در وعده خدا هیچ تخلفی روی نداده و آن نوید، در راه است. و شگفتا که همانسان که قرآن و آورنده اش پیش بینی و پیشگویی کرده بودند، هنوز چند سال از شکست سهمگین «روم» نگذشته بود که امپراطور با تجربه آن کشور، از ویرانه های بر جای مانده و دولت و ارتش درهم شکسته و فروپاشیده «روم»، دولت و ارتشی جدید و جوان و پرشور پدید آورد و با بسیج همه نیروها و امکانات برای جبران خفت و حقارت و شکست و زوددن آثار ننگبار آن، با ناوگان بزرگ دریایی خویش وارد دریای سیاه شد و طبق نقشه ماهرانه و پیچیده جنگی خویش، در نقطه ای از ساحل، نیروهای خود را پیاده کرد و از پشت خطوط دفاعی دشمن یورش برق آسا و غافلگیر کننده ای را بر ضد ایران آغاز کرد.

با شدت بخشیدن به حملات و استمرار آن، خطوط دفاعی و تدارکاتی دشمن از هم گسیخت و عقب نشینی ایران شروع شد. با پیشروی ارتش روم، زادگاه «زرتشت» که اهمیت استراتژیکی بسیاری داشت سقوط کرد و پادشاه ایران هر چه نیرو برای متوقف ساختن پیشروی ارتش روم گسیل داشت، همه تار و مار گردیدند و رومیان بار دیگر بیت المقدس را باز پس گرفتند و شاه ایران

گریخت و به سوی «تیسفون» رفت. فرماندهان ارتش از ندانم کاریها و بدمستی های او آزرده خاطر شدند و او را که باعث شکست ایران و وارد آمدن ضربات سهمگین بر پیکر ارتش شده بود، از تخت سلطنت به زیر کشیده و به زندان افکندند.

شورشیان در زندان نیز بر او سخت گرفتند و جز آب و نان خشک چیزی به او ندادند و به منظور انتقام از او هیچده نفر از فرزندان او را در برابر دیدگانش سر بریدند و کارش به جایی رسید که او را اعدام و یکی از فرزندان او را که «شیرویه» نام داشت به جای او به تخت نشاندند^۹.

ویدینسان پیش بینی قرآن تحقق یافت. کفار سرافکنده شدند و مسلمانان، به آینده خویش امیدوار.

درسهای آموزنده و سرنوشت ساز

در این آیات کریمه و داستان آن، درسهای آموزنده و رهنمودهای ژرف و سرنوشت سازی است که باید در مورد آنها بشایستگی اندیشید و از این چشمه گوارا و حیاتبخش، آب حیات نوشید و سیراب شد.

باید اندیشید که پیشگویی دقیق و خدشه ناپذیر قرآن از پیروزی قریب الوقوع رومیان پس از آن شکست سهمگین و فروپاشی قدرت نظامی و اقتصادی شان، در راستای چه هدف و برای چه منظور و از کجا و چگونه بود؟ و آن موج شادمانی و سرور مسلمانان بر پیروزی کشور مسیحی مذهب «روم» و آزادی بیت المقدس از اشغال و تجاوز چه دلالتی داشت؟ و قرآن، این رویداد تاریخی

را که میان دو ابرقدرت آن روزگاران رخ داد در راستای چه هدفی به تابلو برده و سوره مستقل و کاملی به نام سوره «روم» در این مورد نازل شده است؟

به هر حال پیشگویی‌ها و پیش‌بینی‌های قرآن در این مورد، و موج سرور و شادمانی مسلمانان در این رابطه، دلایل و انگیزه‌هایی داشت که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- همبستگی عقیدتی

نخستین انگیزه ترسیم خیر پیکار دو ابرقدرت آن روزگاران، و نوید از پیروزی قریب الوقوع «روم» مسیحی مذهب بر رقیب خویش، این است که قرآن روح و جان همه ادیان آسمانی را اسلام می‌نگرد و اسلام را دین همه توحیدگرایان عصرها و نسلها می‌داند و همه پیروان کتابهای راستین و دست نخورده آسمانی را مسلمان می‌بیند، گرچه در برخی از دیدگاه‌ها و مسائل با هم اختلاف داشته باشند.

به همین جهت است که قرآن شریف همه ایمان آوردگان به خدا و تمامی خداپرستان گیتی را به نقاط مشترکی که میان آنان وجود دارد فرا می‌خواند تا در پرتو تعاون و همکاری و همبستگی در نیکیها و درستیها و شایستگیها، و از رهگذر احساسات مذهبی و حسن‌خداجویی و خداخواهی و خداپرستی، همه دین باوران را در کنار هم قرار دهد از آنان یک نیرو، یک قدرت و یک اردوگاه توانمند و پراقتدار در برابر اردوگاه شرك و مادیکرایان عالم، پدید آورد.

قرآن در این مورد می‌فرماید:

قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله . . . ۱۰

[ای پیامبر! بگو: ای اهل کتاب بیاید از آن کلمه اصلی که پذیرفته ایم و از باورهای اساسی ما و شماست پیروی کنیم و آن اینکه جز خدای را نپرستیم . . .

آری از این رهگذر است که قرآن پیروزی ایران آتش پرست را پیروزی شرك و شرك گرایان، و شکست روم مسیحی مذهب را شکست خداپرستی و خداپرستان ارزیابی می‌کند؛ و این همان موضعگیری سیاست اسلامی است که از احساسات مذهبی مسلمانان و رابطه قلبی آنها نسبت به پیروان ادیان آسمانی و ابراهیمی سرچشمه می‌گیرد؛ و این در حالی است که آنان از نظر عقیدتی با پیروان مسیحیت اختلاف بسیاری داشتند و یهود و نصاری نیز انواع کینه‌توزی‌ها و دیدخواهی‌ها را نسبت به اسلام، آخرین برنامه آسمانی و نسبت به

ایمان آوردگان به آن، روا می‌داشتند و هنگامی که آنان از پیشروی اسلام و تسخیر دلها و جانها احساس ناراحتی می‌کردند و بر ضد آن به کارشکنی پرداخته و به پیام آورش ایمان نمی‌آوردند، در همان حال مسلمانان با الهام از قرآن و پیامبر آغوش مهر و همبستگی برای آنان گشوده و راه‌های همکاری مشترک را باز می‌کردند و به پیامبر آنان حضرت موسی و مسیح علیه‌السلام ایمان آورده و آن دورا پیامبر بزرگ خدا، اعلان می‌کردند.

و به همین دلیل است که قرآن، اهل کتاب را - اگر برستی به کتابهای آسمانی معتقد باشند - به گرایش به اسلام که روح همه ادیان توحیدی است فرا می‌خواند و از آنان می‌خواهد که از کارشکنی و توطئه بر ضد مسلمانان - که در برابر شرك و مادیکری هم پیمان و پشتیبان آنان هستند - دست بردارند در این مورد قرآن می‌فرماید:

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق

باید اندیشید که پیشگویی دقیق و خدشه ناپذیر قرآن از پیروزی قریب الوقوع رومیان پس از آن شکست سهمگین و فروپاشی قدرت نظامی و اقتصادی‌شان، در راستای چه هدف و برای چه منظور و از کجا و چگونه بود؟ و آن موج شادمانی و سرور مسلمانان بر پیروزی کشور مسیحی مذهب «روم» و آزادی بیت المقدس از اشغال و تجاوز چه دلائلی داشت؟

بالباطل وتكتمون الحق وانتم تعلمون^{۱۱}.
ای اهل کتاب شما با اینکه از حقیقت آگاهید
چرا حق را به باطل می‌آمیزید و واقعیت و حقیقت
را پوشیده می‌دارید؟

۲- تأثیر رخدادهای جهانی بر سرنوشت ملت‌ها

دومین درس آیه شریفه وداستان آن ویا
انگیزه دیگر ترسیم درگیری دو ابرقدرت آن
روزگار، نشان دادن این واقعیت است که
مسائل ورخدادهای و تحولات بزرگ جهانی
با مسائل وررودادهای منطقه‌ای و محلی
ارتباطی گسست ناپذیر دارد و در میدان
مبارزه، تأثیر مثبت یا منفی خویش را به هر
حال برجای می‌گذارد.

واقعیت این است که درگیری
و کشمکش قدرتهای بزرگ جهانی، تأثیر
سرنوشت ساز و ژرفی در رویدادهای دیگر
مناطق و در سرنوشت دیگر ملت‌ها دارد، چرا
که رخدادهای بزرگ و کوچک، گرچه هر
کدام در نقطه‌ای دور از یکدیگر و با نام
و بهانه و عنوانی خاص رخ دهد، در نهایت
بسان حلقه‌های یک زنجیر با هم ارتباط
می‌یابند و در یکدیگر اثر می‌گذارند.

هنگامی که مسلمانان در صدر اسلام با
وجود نبودن وسائل پیشرفته ارتباط جمعی
و عدم امکان گزارش اخبار رخدادهای در چند
لحظه به سراسر جهان، باز هم میان
رویدادهای بزرگ جهانی و اثرگذاری آنها بر
رویدادهای منطقه‌ای و محلی رابطه ژرف
و عمیقی می‌دیدند و تأثیر درگیری «روم» با
ایران را در پیکار بی‌امان توحید و شرک در
سرزمین «مکه» با همه وجود حس می‌کردند

و از همین رهگذر از پیروزی ایران بر «روم»
مسیحی مذهب احساس اندوه عمیق
می‌نمودند، پس باید اندیشید که شناخت
این واقعیت و این ارتباط در جهان معاصر تا
چه اندازه ضروری است و بشایستگی
دریافت که مسائل بزرگ جهانی ورخدادهای
و دیگر گونیه‌های عمیق، در روابط قدرتهای
مسلط روزگار و در روند اوضاع و جریان
رخدادهای منطقه‌ای و محلی چقدر مؤثر
است، بویژه که پیشرفت صنعت
و تکنولوژی و وسائل ارتباطی و خبررسانی
جهانی، اینک به گونه‌ای تحول یافته است
که جهان ما در عصر فضا و ماهواره‌های
گونگون صنعتی و تبلیغاتی به صورت
روستایی کوچک جلوه می‌کند و آنچه
بامدادان در شرق گیتی رخ می‌دهد، همه
کسانی که در غرب گیتی زندگی می‌کنند، به
یک چشم به هم زدن، گزارش آن را دریافت
و تصویر آن را در برابر خویش تماشا
می‌کنند.

این واقعیت حساس هنگامی از اهمیت
بیشتری برخوردار می‌شود که ما دریابیم
اینک در جهانی زندگی می‌کنیم که اردوگاه
شرق از هم فروپاشیده و جهان بسوی یک
قطبی شدن پیش می‌رود و همین روند
اوضاع جهانی، و نیز زمزمه اتحاد میان
کشورهای اروپایی - دو پدیده حساس
جهانی است که برای آینده اسلام و اردوگاه
اسلامی، از اهمیت حیاتی برخوردار است
و ضرورت این شناخت و آگاهی عمیق از
رخدادهای جهانی را برای همگان بویژه
مدیران و کارگزاران و کسانی که برای خویش
مسئولیت و رسالتی قائلند - حیاتی تر

و فوری تر می‌سازد.

۳- در راه برنامه ریزی

با این اثرگذاری ژرف تحولات جهانی
بر رویدادهای منطقه‌ای و محلی، دیگر
ضرورت آگاهی عمیق از جغرافیای سیاسی
جهان و شناخت علل و انگیزه و جهت
رخدادهای و دیگر گونیه‌ها و معرفت به شرایط
گذشته و کنونی و آینده جهانی تا سرحد
امکان - برای همه، روشن می‌گردد تا در
درجه نخست همگان بویژه عناصر مؤثر در
روند امور آگاهی‌های خویش را بالا برند
و دوستان و دشمنان موجود و بالقوه را
بشناسند و در درجه دوم نقاط ضعف و قوت
هر قطب و اردوگاه و قدرتی را کشف کنند
و در درجه سوم اقتدار و امکانات خویش را
درست و با توجه به اوضاع جهانی ارزیابی
نمایند تا بدین وسیله بتوانند برای مصون
ماندن از خطرات سهمگین ورخدادهای
دهشتناک و تأمین ثبات، موجودیت،
امنیت، استقلال، حقوق و آزادی خویش -
همان گونه که قرآن کریم رهنمود داده است
نیرو و امکانات شایسته و بایسته دفاعی فراهم
آورند.

واعدوا لهم ما استطعتم من قوه ومن
رباط الخیل ترهبون به عدو الله وعدوكم
وآخرین من دونهم لاتعلمونهم الله
یعلمهم . . .^{۱۲}

و[شما ای توحیدگرایان] تا آنجا که
می‌توانید نیرو و اسبان سواری و امکانات و وسائل
دفاعی، فراهم آورید تا دشمنان خدا و دشمنان
خودتان و دیگران را که شما نمی‌شناسید و خدا
می‌شناسد، بترسانید.



دقت در واژه واژه آیه شریفه بویژه ضمیمه «هم» در «لهم» نشانگر این واقعیت است که آمادگی کامل و عملی در صحنه‌ها و میدانهای گوناگون برای دفاع از حقوق و استقلال و امنیت و آزادی خود و دیگر ملت‌های ضعیف و زیر فشار، باید متناسب با توانایی و امکانات تجاوزه‌کاران و سلطه‌جویان منطقه‌ای و جهانی باشد و پرواضح است که اوج گرفتن به این مرحله از اقتدار و توانایی در گرو شناخت عمیق تحولات جهانی، شناخت عمیق دوست و دشمن، شناخت ژرف و سائل و نیروها و امکانات تجاوزه‌کاران، شناخت نقاط قوت و کارایی و نقاط ضعف و آسیب پذیر آنان در سطح جهانی است.

۲- اصل تجزیه ناپذیر

اصل حق طلبی و آزادیخواهی در نگرش قرآنی اصلی است تجزیه ناپذیر و متعلق به همه حق طلبان. همچنان که استبداد و خودکامگی و شرک و کفر نیز تجزیه ناپذیر است و از آن همه حق ستیزان؛ از این رهگذر است که وقتی ایران عصر «کسری» بر روم مسیحی مذهب پیروز می‌گردد موج شادی و سرور، مشرکین «مکه» را فرامی‌گیرد و در برابر اسلام و پیامبر آزادی و عدالت احساس قوت قلب و قدرت و پیروزی می‌کند و طی یک جنگ شدید و فشرده روانی در بوقهای تبلیغاتی خویش همه جا می‌دمند که شرک گریبان «مکه» نیز بطور قطع در آینده نزدیکی اسلام رهائی بخش و پیروان آن را در هم خواهند کوبید و بدین وسیله می‌کوشند تا با هیاهو،

شایعه‌سازی، صحنه آفرینی و جنگ روانی اردوگاه شرک و مادگیری را در روی زمین تقویت نمایند و در برابر آنها، مسلمانان هستند که از این تحوّل نامطلوب آزرده خاطر می‌گردند و دچار غم و اندوه و ضربه روحی می‌شوند و در برخی از آنان این رخدادها و جنگ‌های تبلیغاتی چنان ضعف و افسردگی روحی پدید می‌آورد که به خدا و پیامبرش پناه می‌برند و درست در این شرایط سخت و تنگنای شدید است که سوره مبارکه «روم» بر قلب مصغای پیامبر فرود می‌آید تا از سویی اثرات جنگ روانی را بزداید و از دگر سو با پیشگویی دقیق از پیروزی قریب الوقوع روم بر ایران بین سه تا ۹ سال آینده مسلمانان را به آینده خودشان امیدوار کند و خاطر نشان سازد که اگر امروز شرک گریبان بر پیروزی ایران شادی می‌کنند و شکست روم را جشن می‌گیرند در آینده‌ای نه چندان دور روم پیروز می‌شود و مؤمنان به یاری خدا شادمان خواهند گشت.

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله . . .

چرا که خدای جهان آفرین برای پیروزی قوانین و سنت‌هایی قرار داده است از این رو هر جامعه و تمدنی خویش را با آنها منطبق ساخت یاری خدا به او می‌رسد؛ و پیام آیه شریفه همین است که می‌فرماید:

ینصر من یشاء وهو العزیز الرحیم

خدا هر کسی را بخواهد [او و وسائل و امکانات پیروزی را فراهم آورد] یاری می‌کند و او توانمند و مهربان است.

۵- رمز موفقیت‌ها و پیروزیها

درس دیگر آیه و داستان آن، بیان این

واقعیت دقیق و سرنوشت ساز است که: مسئله پیروزی و شکست ملت‌ها مسئله‌ای تصادفی و اتفاقی نیست بلکه هر کدام بر اساس قوانین و سنت‌هایی بسوی جامعه‌ای روی می‌آورد.

به بیان قرآن شریف، پیروزی برای خود قوانین و شرایط خاصی دارد که با وجود آن شرایط، پیروزی نصیب یک جامعه و ملت می‌شود همانگونه که با فقدان آن شرایط و عدم هماهنگی با سنت پیروزی، شکست جای آن را خواهد گرفت قرآن می‌فرماید:

. . . تلک الایام نداولها بین الناس . . . ۱۳

. . . این روزگار [قدرت و پیروزی] است که هر چندگاه آن را به کام «مردمی» می‌گردانیم [که شرایط پیروزی را فراهم آورند].

تعبیر به «الناس» در آیه شریفه تعبیر دقیق و عمیقی است و اشاره به این واقعیت دارد که پیروزی همواره در انحصار جامعه و تمدن و ملتی نخواهد بود همان گونه که شکست و عقب ماندگی نیز همیشه به نام گروهی نوشته نشده است، بلکه پیروزی و پیشرفت برای خود قوانین و شرایط خاصی می‌طلبد؛ از این رو این گروه‌ها و ملت‌ها و جامعه‌ها هستند که با درست اندیشی و آگاهی و عملکرد شایسته در همه میدانها پیروزی و پیشرفت را طبق سنت‌های الهی به نام خود رقم می‌زنند؛ و باز همانان هستند که با بد اندیشی و عملکرد نادرست و ظالمانه زمینه و شرایط شکست و عقب ماندگی خویش را فراهم می‌سازند.

شهید آیه الله سید محمد باقر صدر در تفسیر و تحلیل رمز صعودها و موفقیت‌ها

امپراطوری «روم» در پیکار طولانی اش با ایران دچار شکست خفت باری شد، چرا که شرایط پیروزی را فراهم نیاورده بود؛ اما همین دولت «روم» به رهبری «هرقل» امپراطور آن کشور، پس از آن شکست سهمگین توانست قدرت و نیروی از دست رفته خویش را بازیابد و پراکندگیها را با سازماندهی دقیق و جدید در پرتو آگاهی و تلاش و تجربه آموزی بسیار، جبران کند؛ روح امید به آینده و پیروزی را با وجود تحمل شکست دردناک، در روح ملت و ارتش روم بدمد؛ ضعفها را به قوت تبدیل سازد و نقاط قوت را استواری و استحکام بخشد؛ و با اینکه همه ناظران می پنداشتند دیگر امپراطوری «روم» نمی تواند قامت راست کند، توانست در مدت کوتاهی کفّه قدرت را به نفع خود سنگین سازد و موفقیت و پیروزی را شاهد باشد و دشمن مست و مغرور را در هم کوید.

و در آن سو ایران در میدان جنگ پیروز بود که به دلیل خودکامگی و مستی قدرت، پیروزی به شکست خفت باری تبدیل شد، چرا که پس از پیروزی بر ابرقدرت روزگار خویش خود را یکه تاز میدان و تنها قدرت جهانی پنداشت و سر به طغیان بی سابقه ای برداشت تا آنجایی که زمامدار خودکامه اش سفیر پیامبر را با کبر و غروری وصف ناپذیر به حضور پذیرفت و بدون اندیشه صحیح، نامه پیامبر را پاره کرد. سفیر پیامبر پس از بازگشت از ایران، جریان را گزارش کرد و پیامبر گرامی از همین شیوه خودسرانه و بدمستانه او آینده سیاهش را پیش بینی کرد و ضمن سخن کوتاه و برجسته ای از آینده

و آخرین نکته در این مورد اینکه: نه اقتدار و پیروزی و حکومت و پیشرفت برای جامعه و گروهی جاودانه است و نه شکست و انحطاط.

از این رو قرآن هیچ جایی برای یأس و نومیدی باقی نمی گذارد، چرا که طبق رهنمود این آیه، همانهایی که اینک در اوج موفقیت و پیروزی و بر قلّه قدرند و در قله غنای مادی و مادیات و در نعمت و در رفاه و در سرافرازی و در خواستند غلبند

را مخصوص شما توحیدگرایان ساخته است. نه، پیروزی یک حق طبیعی است از این رو برای به دست آوردن و آفریدنش شرایط مساعد می طلبد و باید آن شرایط را پدید آورد و هر کسی آن را پدید آورد پیروز می شود، به عبارت دیگر خداوند برای پیروزی در این جهان قواعد و سنت هائی قرار داده است که شرایط پیروزی باید با همان سنت ها انطباق داشته باشد و شما مسلمانان چون در پیکار احد نتوانستید خود را با آن سنت های پیروزی آفرین هماهنگ سازید شکست خوردید. . . بنابراین روی سخن در اینجا مربوط به کار انسان است یا انسانها نه با یک مقام الهی به عنوان پیامبر و رسالت آسمانی، این انسانها هستند که با فراهم آوردن شرایط پیروزی را می آفرینند و با فقدان آن شکست را.

در این مورد می توان امپراطوری «روم» را بعنوان بهترین نمونه مثال آورد.

و راز شکست ها و سقوط ها ضمن تمسک به آیه شریفه تلک الایام نداولها بین الناس می افزاید:

در اینجا قرآن با مرام به عنوان خود مردم سخن می گوید و این واقعیت را برای آنان به تابلو می برد که این داستان پیروزی و شکست مربوط به سنن و ضوابط تاریخی است مسلمانان که در پیکار بدر بر قلّه پیروزی پر کشیدند خودشان، آری خودشان شرایط و زمینه های پیروزی را فراهم ساخته بودند این شرایط بر اساس سنن تاریخ ایجاب می کرد که آنها پیروز شوند و پیروز هم شدند و در جنگ «احد» نیز شرایطی فراهم آوردند که می بایست شکست بخورند و چنین هم شد. تلک الایام نداولها بین الناس. . .

قرآن در آیه تصریح می کند که هان ای مسلمانان هرگز مپندارید که یاری و پیروزی یک حق قطعی و مسلم الهی است که خدا آن

خفت بار رژیم استبدادی او پرده برداشت و فرمود:

«مَوْقُ كَسْرِي مُلْكَةٌ».

شاه ایران با این کار زشت سند ادامه فرمانروایی و موجودیت رژیم خویش را پاره کرد. و شگفتا که درست همان گونه شد...

۶- راز صعودها و انحطاطها

پیشگویی قرآن در مورد آینده «روم» و شکست رقیب سرسخت و پیروزش ایران یک پیش بینی بی اساس و یک تحلیل و آینده نگری نادرست نبود، بلکه سخنی برخاسته از دانش و آگاهی آفریدگار هستی بود که گذشته و حال و آینده برایش روشن است و می داند ظرف سالهای آینده سرنوشت دو قدرت بزرگ و درگیر به کجا خواهد انجامید. دو قدرتی که یکی از آنها پس از پیروزی نظامی، به آفت خوشگذرانی، عیاشی، اسرافکاری و مستی قدرت دچار می گردد و راه ضعف و انحطاط را در پیش می گیرد و دیگری شکست را نردبان ترقی و پله پیروزی می سازد و به دنبال سازندگی، برآزندگی، جبران اشتباهات، رفع نقاط ضعف، برطرف ساختن سوء مدیریتها، و فراهم آوردن نیرو و امکانات برای پیروزی خواهد رفت و نتیجه این تلاش و کوشش همه جانبه این خواهد بود که در پیکار آینده خود را بر قله پیروزی خواهد کشید.

آری این پیشگویی که طبق وعده تخلف ناپذیر خدا تحقق یافت بر اساس سنتها و قوانین حاکم بر روند تحولات بود که از

علم بی کران آن قادر آگاه حاکم بر جامعه و تاریخ، سرچشمه می گیرد^{۱۵}.

غلبت الروم فی ادنی الارض وهم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء وهو العزیز الرحیم.

دقت در واژه واژه آیات، بویژه تعبیر به «ینصر من یشاء» بیانگر این نکته ژرف و دقیق و سازنده است که پیروزی و پیشرفت، شرایط و وسائل خاص خود را می طلبد و خدا پیروزی و ترقی را برای فرد و جامعه و تمدنی می خواهد و کسانی را یاری می کند که وسائل و اسباب پیروزی را فراهم آورند و پیام و مفهوم «تلك الايام نداولها بین الناس» همین است.

۷- راه برای همه گشوده است

و آخرین نکته در این مورد اینکه: نه اقتدار و پیروزی و حکومت و پیشرفت برای جامعه و گروهی جاودانه است و نه شکست و انحطاط. از این رو قرآن هیچ جایی برای یأس و نومیدی باقی نمی گذارد، چرا که طبق رهنمود این آیات، همانهایی که اینک در اوج موفقیت و پیروزی و بر قله قدرتند در صورتی که درست نیندیشند و درست عمل نکنند فردا به حضيض ذلت و سرافکنندگی در خواهند غلطید، و بعکس کسانی که اینک محکوم ضعف و مقهور بیداد و انحطاطند، در پرتو تلاش و فداکاری و آگاهی و عمل شایسته، فردا به سکوی پیروزی اوج خواهند گرفت.

قرآن بر این اندیشه راهگشاست که هر جامعه و تمدنی ممکن است از اشتباه و شکستی که دامگیرش شده تجربه ها و درسها بیاموزد و با آگاهی بر نقاط ضعف و موارد آسیب پذیر، راه زندگی را تغییر دهد و بتدریج اقتدار و عظمت و موجودیت جدیدی را پی ریزی کند؛ به تجربه جدیدی دست یازد و با فراهم آوردن شرایط پیروزی و ترقی و صعود، رهبری فکری و عقیدتی و اجتماعی و سیاسی جامعه ها و تمدنها را به کف گیرد.

بر این باور راه همواره برای همه رهروان راستین راه موفقیت و پیروزی گشوده است و هر کس در این راه گام نهد از یاری خدا بر اساس سنتهای الهی بهره مند خواهد شد...



یادداشتها

- ۱- سوره ۳۰ آیه ۵-۱.
- ۲- تاریخ تمدن ج ۱۲ ص ۲۹۵.
- ۳- تاریخ تمدن ج ۱۲ ص ۲۹۶.
- ۴- مجمع البیان.
- ۵- الدرّ الثمور ذیل آیات.
- ۶- مجمع البیان.
- ۷- ۸ و ۷- سوره ۳۰ آیه ۵-۱.
- ۹- تاریخ تمدن ج ۱۲ ص ۲۹۶.
- ۱۰- سوره ۳ آیه ۶۴.
- ۱۱- سوره ۳ آیه ۷۱.
- ۱۲- سوره ۸ آیه ۶۰.
- ۱۳- سوره ۳ آیه ۱۴۰.
- ۱۴- سنتهای تاریخی آیت الله صدر ص ۳۵.
- ۱۵- برای توضیح بیشتر در این مورد به کتاب «ظهور و سقوط تمدنها از دیدگاه قرآن» به همین قلم مراجعه فرماید.